

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ی نقاشی

موضوع و رساله نظری

نگاه مادی به زن در نقاشی های دوره ی قاجار

استاد راهنما

جناب آقای دکتر منصور حسامی

عنوان پروژه عملی

عزیمت

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمد معمارزاده

دانشجو

نفیسه صدیقی

شهریور ۱۳۸۸

چکیده

زنان در طول تاریخ با بی عدالتی ها و تحقیرها و مصیبت های زیادی روبرو بوده و پیوسته از جامعه دور نگاه داشته می شدند. به گفته ی تاریخ و علمای اجتماع و سفرنامه نویسان اروپایی، در دوره ی قاجار نیز زنان، هیچ گونه نقشی در جامعه نداشته و از خود اراده و عقیده ای نشان نمی دادند.

با آغاز دوران تجدد و نوسازی در ایران، ابتدا تغییراتی در ظاهر افراد و سپس در افکار و اندیشه های آنها به وجود آمد. زنان نیز در این جریان خواستار زندگی بهتر و حضور در جامعه شدند. در این میان آثار هنری و نقاشی هم تحت تأثیر این روند نوسازی و تغییرات، دچار تحولاتی گردیدند که در این تحقیق سعی شده با بررسی وضعیت زنان از جنبه های مختلف به شناختی کافی برای نتیجه گیری صحیح دست پیدا کنیم.

بنابراین آنچه باید در این مجال بررسی شود شامل نکات زیر می باشد:

- ۱- شناخت موقعیت زن در جنبه های مختلف در دوره ی قاجار.
 - ۲- بررسی نگاه اجتماع و به خصوص مردان به زن در این دوره.
 - ۳- شناخت تأثیرات افکار و نگاه اجتماع در نموده ها - صویری زن در هنر و نقاشی دوره ی قاجار.
- پس می بایست وضعیت زن را در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی و ... بررسی کرده تا می توانستیم تأثیرات و تغییرات را در روند گذار تاریخی شناخته و نگاه واقع گرایانه تری نسبت به تصاویر زن در هنر و نقاشی این دوره داشته باشیم.
- این پژوهش به روش کتابخانه ای انجام گرفته و تلاش گردیده تا با در نظر گرفتن ابعاد مختلف، شناخت از موضوع را بالا برده و موجبات دستیابی به یک نتیجه ی قابل قبول را فراهم آورد.

کلید واژه ها:

زن - نقاشی قاجار - تجدد گرایی در ایران

فهرست مطالب

- مقدمه ۱
- طرح مسأله ۳
- فصل اول: نگاه تاریخی به زن ۶
- فصل دوم: بررسی موقعیت زن در دوره ی قاجار ۱۳
- ۱-۲ پوشش زن ایرانی در دوره ی قاجاریه ۱۴
- ۲-۲ جایگاه زن در خانواده ی دوره ی قاجار ۱۸
- ۳-۲ زن و فعالیت های اقتصادی در دوره ی قاجار ۲۱
- ۱-۳-۲ نقش زن در تولیدات اقتصادی ۲۱
- ۲-۳-۲ زنان و مشاغل غیر تولیدی ۲۱
- ۴-۲ زن در دربار قاجاریه ۲۴
- ۵-۲ زن در جامعه ۲۹
- ۲-۶ زن و آموزش ۳۲
- ۲-۷ زن و سیاست ۳۵
- ۲-۸ نوسازی و تجدد در ایران و تأثیر آن بر موقعیت زنان ۳۹
- فصل سوم: زنان در هنر دوره ی قاجار ۴۵
- ۱-۳ عکاسی و تأثیر آن بر نقاشی زنان در دوره ی قاجار ۴۶
- ۲-۳ بررسی اجمالی نقاشی در دوره ی قاجار ۵۰
- ۱-۲-۳ هنر و نقاشی در دوره ی آغا محمدخان ۵۰
- ۲-۲-۳ نقاشی و پیکرنگاری در دوره ی فتحعلی شاه ۵۰
- ۳-۲-۳ نقاشی در دوره ی محمدشاه ۵۵
- ۴-۲-۳ نقاشی در دوره ی ناصرالدین شاه ۵۷
- ۵-۲-۳ نقاشی از دوره ی مظفرالدین شاه تا اواخر دوره ی قاجاریه ۶۲

- فصل چهارم: نگاه مادی به زن در نقاشی دوره ی قاجار ۶۷
- ۱-۴ نگاه مادی به زن در نقاشی دوره ی قاجار ۶۸
- ۲-۴ نتیجه ۸۶
- فهرست منابع و مآخذ ۹۱
- پروژه عملی: عزیمت ۹۷

مقدمه

از اوایل قرن دوازدهم هجری قمری، خاطره‌ی نگارگری فاخر و بی‌نظیر کم‌کم فراموش شد و جستجو و تصور انسان فانی از جنت موعود ابدی جای خود را به تثبیت و تجلیل لذت‌های گذرای نفس پرستانه‌ای داد که پادشاهان و شاهزادگان را بر می‌کشید. نقاشی قاجاری آرزوهای شریف را دنبال نمی‌کرد و تنها به تجسم نوازندگان و رقاصگانی که بر روی تیغه‌ی چاقویی معلق می‌ایستادند، اکتفا می‌کرد.

هنر این دوران اسطوره‌ها را تقلیل می‌دهد و شکوه و حشمت گذشته را به تعیّشی مخمورانه تبدیل می‌کند و آن جهان عارفانه را به موضوعاتی چون شخص شاه، فرزندان او، درباریان برجسته، زنان زیبا و بزم افروز و پادشاهان و قهرمانان تاریخی و اساطیری مختصر می‌کند.

البته علاقه به موضوعات زنانه، از پادشاهی چون فتحعلی شاه که در حرمسرای خود چند صد زن داشته بعید به نظر نمی‌رسد. این پرده‌ها به سفارش شاه، رجال و اعیان وقت برای زینت اندرونی‌ها و طرب خانه‌ها ساخته می‌شد. این زن‌ها مطمئناً ناموس شاهانه نبودند و می‌توان گفت که از زنان مهم دربار نگاره‌ای مشخص وجود ندارد و شاید مانند ادبیات غنایی ما که اگر شعری برای زن سروده می‌شد برای زنان شرعی نبود بلکه برای معشوقه سروده می‌شده است در نقاشی هم بازیگران و نوازندگان و ... مدل این نقاشی‌ها بودند. در واقع آنها زنان درجه دو مانند نوازندگان، رقاصگان و کنیزکان زیباروی هستند که نوازندگان سازهایی مانند دنبک، دایره و تار و ... می‌نوازند، رقاصگان و کنیزکان با حرکاتی اغراق‌آمیز گاهی به شکل آکروبات می‌رقصند و سایر زنان برخی در حالت تعارف میوه و شیرینی و شراب، یا صرفاً ایستاده و یا لمیده در حال نوشیدن شراب در پیاله یا تنگ‌های بلورین می‌باشند.

البته این گرایش به ناپوشیدگی بدن انسان در هنر دوره‌ی قاجار وجهی بیمارگونه و اروتیک یافته که تنها محل بروزش را نیز می‌توان در تصانیف مبتذل بازاری و تصاویری که فقط برای شاهان قابل رؤیت بود، سراغ گرفت و زنانی که در گذشته قهرمان، مادر یا عاشقی وارسته بودند، پس از برخورد با مدرنیته به موجودی زمینی تبدیل شدند که اوج شهوت را نمایش می‌دهند. در واقع نمایش صحنه‌های شهوانی از موضوعات مهم این دوره شد که این خود می‌تواند متأثر از درک و احساس مرد ایرانی نسبت به زن باشد.

مسلمانان هدف نگارگر از به تصویر کشیدن این زنان پر غمزه و ناز و در اوج جوانی، زیبایی و زنانگی، ساختن منظره های وسوسه انگیزی از لذات متنوع و جسمانی دنیوی برای شاه و اشراف بوده است و هیچ گونه زمینه ی معنوی و آرمانی را دنبال نمی کند. این آثار بیشتر برای به تصویر کشیدن امور واقعی بود که انسان جدیدالورود به عرصه ی تجدد و مدرنیته، آن را حق فردی خود می دانست.

البته در این تصاویر به جنبه ی روانی و فردی پرسوناژها توجهی نشده و هنرمند بیشتر به جنبه های ظاهری زنان پرداخته که بیشتر تداعی کننده ی تصاویر دنیوی و احساسی هستند و مخاطب را به فضای معنوی دعوت نمی کند.

در واقع، در دوران قاجار زنان در جامعه نقش و اراده ای نداشته و تنها می توانستند استعداد و تحمل خود را در زندگی مشقت بار و طاقت فرسا نشان دهند که با ورود مدرنیته و آشنایی با افکار و اندیشه های غربی و آگاهی از روش زندگی زنان غربی، آنان نیز نسبت به وضعیت و موقعیت شان معترض و خواستار تغییر در روند زندگی شان شدند؛ آنها فکر می کردند که با استفاده از تمدن اروپایی و زندگی لوکس، به سوی تمدن رهسپار خواهند شد.

با حضور زن در جامعه، هنرمندان بیشتر به سمت موضوعات اجتماعی و روایی کشیده شدند و به طور کلی آن نگاه شهوانی و جنسی به آنها کمتر گردید اما با این حال تا پایان این دوره هم زنان را با یک شکل یکسان تصویر کردند و اصلاً توجهی به روح و روان آنها نشد که نشان دهنده ی این است که روحیات و درونیات آنها همچنان ناشناخته باقی ماند.

در همه ی این تغییرات از ابتدا تا پایان دوره ی قاجار را می توان ناشی از گسترش روابط خارجی و تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دانست که متعاقب آن، با تغییر دیدگاه ها و اندیشه ها در جامعه ی روشنفکر نسبت به زنان، آنها نیز به سوی آگاهی حرکت کردند که حاصل آن توجه اندک به زن ها در اواخر دوره ی قاجار، تنها در طبقه ی روشنفکر و خواص بود.

ولی با این همه نمی توان گفت که در نگاه به زن تغییری به وجود آمد و اگر تغییری هم در موقعیت ایشان حاصل شد نتیجه ی تلاش و پشتکار خود زنان بود وگرنه هنوز جامعه او را وسیله ای برای سرگرمی و تولید مثل می دانست و آن گروه روشنفکر هم تنها در سخن و بیان به طرفداری و حمایت از زنان برخاست.

طرح مسأله

طرح مسأله

اگر چه زنان در طول تاریخ با بی عدالتی ها و تحقیرها و مصیبت های زیادی روبرو بوده و پیوسته از جامعه دور نگه داشته می شدند، در دوره ی قاجاریه نه تنها از اجحاف و نابرابری گذشته برخوردار بوده بلکه با فراز و نشیب ها و محدودیت های بیشتری هم برخورد کردند.

در این دوره به علت مسافرت شاهان و درباریان به خارج از کشور، تحولاتی در ظاهر و سپس در افکار و اندیشه ها ایجاد شد که در روند این تأثیرات و تغییرات، نحوه ی زندگی خانوادگی و اجتماعی و سیاسی تغییر نمود و زنان نیز توانستند به آزادی ها و امتیازاتی دست پیدا کنند و حضور و تأثیری هر چند اندک در زمینه های آموزشی، سیاسی و ... داشته باشند.

در پی گذشت زمان و فراز و نشیب های دوره ی قاجار، هنرمندان هم متأثر شده و در هر دوره، آثاری مطابق با نوع اندیشه ی زمان به وجود آوردند.

بنابراین در این مجال سعی شده به نکات زیر توجه نموده و آنها مورد مذاقه قرار دهم:

۱. شناخت موقعیت زن در زمینه های مختلف خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در دوره ی قاجار.

۲. بررسی نگاه اجتماع و به خصوص مردان به زن در دوره ی قاجار.

۳. شناخت چگونگی به کارگیری تصویر زن در نقاشی های دوره ی قاجار .

مسأله ای که در این پژوهش مطرح می باشد این است که: ذهنیت جامعه دوره ی قاجار در مورد زن چه بوده و آیا به زن یک نگاه مادی وجود داشته است؟ و اگر چنین بوده، این نگاه بر هنر و هنرمندان چه تأثیری داشته و هنرمندان چگونه زن را در آثارشان تصویر کرده اند؟

در واقع آنچه از این پژوهش انتظار می رود این است که جایگاه زن در هنر دوره ی قاجار و نمودهای تصویری آن را پیدا کرده تا بتوانیم با نوع نگاه به زن در این دوره تاریخی و تأثیرات گذار زمان در آن آشنا شویم.

بنابراین فصول این مجموعه به صورت ذیل دسته بندی شده اند:

۱. فصل اول: نگاه تاریخی به زن. در این فصل یک پیشینه ی تاریخی نسبت به جامعه ی زنان پیدا کرده تا با نوع نگاه به زن از دوران مادر سالاری (توجه به شایستگی های زن) تا آمدن اسلام و بعد از آن در ایران شناخت حاصل گردد.
 ۲. فصل دوم: بررسی موقعیت زن در دوره ی قاجار. در این مجال، وضعیت زن در جنبه های مختلفی چون پوشش، خانواده، جامعه، دربار، آموزشی، سیاسی، اقتصادی و همچنین تأثیر نوگرایی بر روی زنان و موقعیت شان بررسی می گردد.
 ۳. فصل سوم: زنان در هنر دوره ی قاجار. در بخش اول این فصل، هنر عکاسی و تأثیر آن در جامعه و هنر(نقاشی) بررسی شده و در بخش دوم یک بررسی اجمالی در مورد نقاشی این دوره و تحولات تصویری زنان ارائه گردیده است.
 ۴. فصل چهارم: نگاه مادی به زن در نقاشی دوره ی قاجار. در این فصل، به بررسی زن در نقاشی های دوره ی قاجار رسیده و سعی می گردد تا تأثیرات و تغییرات فرهنگی و اجتماعی و هنری در روند تصویری زنان نشان داده شود.
- در واقع با بررسی و شناخت همه ی این زمینه ها خواستار آن بوده که بتوانم در پایان، یک نتیجه ی درست و قابل قبولی را بدون یک سوپه نگری و مطابق با واقعیت جامعه ی آن روز ارائه دهم.

فصل اول

نگاه تاریخی به زن

نگاه تاریخی به زن

کتاب هایی با موضوع زن ایرانی، بیشتر کارنامه زنان اشراف انگشت شماری هستند که در شرایط کاملا استثنائی خودی نشان داده اند و در آنها هرگز موقعیت اجتماعی قاطبه زنان و علل اصلی عقب ماندگی آنها و نقش درجه دومشان در خانواده و بالاخره علت عدم تساوی و ناهمسانی حقوق آنها با مرد، مورد بررسی قرار نگرفته است .

حسن صدر یکی از پژوهشگران کشورمان در کتاب "حقوق زن در اسلام و اروپا" موقعیت زن را در اجتماع و خانواده از گذشته های بسیار دور تا عصر حاضر بررسی کرده و در آخر به این نتیجه رسیده: "زن برای زیبایی، و دلربایی، رقت قلب و ملایمت، خانه داری، وضع حمل و پرورش کودک آفریده شده ... " و قادر نیست از عهده کارهایی که مرد انجام می دهد، برآید، زیرا "زن رشد و نبوغ لازم را ندارد". (نوابخش، بی تا، ص ۱۰)

اما امروزه تحقیقات دامنه دار علمی ثابت می کند که آنچه منزلت زن را نسبت به مرد، در گذشته پست و زبون می کرد و زن را به حمایت مرد محتاج می ساخت، نه برتری طبیعی مرد و نه عواملی از قبیل بت پرستی و وحشی گری است، بلکه عامل اصلی فروتری و ناهمسانی، کوتاه شدن دست زن از کارهای تولیدی و شرایط فرهنگی و اجتماعی نظام پدرسالاری است.

همان طور که می دانیم در جامعه ی بدوی ساکن نجد ایران در دوران نوسنگی (بین ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال ق م) ، پیش از ورود آریاییان به ایران، زنان از منزلت و مقام شایسته ای برخوردار بودند. در این دوره، زن وظایف خاصی از قبیل نگهداری آتش، و به احتمالی ساختن ظروف سفالین، و جستجوی ریشه های خوردنی نباتات یا گردآوری میوه های وحشی، و به طور کلی کشت و زرع را به عهده داشته است. در این عصر زنان با کار مستمر خود غذای خانواده را تأمین می کردند و رهبری اقتصادی را در دست داشته و در عین حال زنجیر اتصال خانواده به وسیله زنان صورت می گرفت، چه زن ناقل خون قبیله به خالص ترین شکل خود به شمار می رفت.

اما با اینکه زن توانست برتری و سروری خود را هزاران سال در جوامع ابتدایی بشر حفظ کند، این نظام نتوانست همیشگی باشد و زمانی که آریایی ها از دشت های آسیای مرکزی و جنوب سیبری وارد ایران

شدند، نظام پدرشاهی را همراه خود به سرزمین جدید آوردند و عهد مرد سالاری با بهره‌گیری نرینه از خیش و کاربرد قدرت جسمانی در شکار و به‌کارگیری حیوانات بارکش و غیره آغاز می‌شود.

البته در ابتدای این دوره نیز زن از حقوقی برابر با مرد برخوردار بود، اما به مرور با رشد دامن‌داری و کشاورزی، و به علت تعلق پاره‌ای وظایف صنعتی و حرفه‌ای به مردان تکالیف خانگی زنان کمتر شد و به مرور از دایره تولید خارج شدند و فقط کارهای خدماتی و ذوقی درون خانه برای آنها باقی ماند، و در پاره‌ای جماعات بشری که بردگان کارهای خانگی انجام می‌دادند زنان در حد آنان قرار گرفتند، به طوری که در خانه نیز حکمروایی از آن مردان شد و از این به بعد زن و فرزندان عنوان مملوک پدر یا برادر بزرگ و پس از آنان شوهر را پیدا کردند.

در نظام پدرسالاری رهبری اقتصادی و فرماندهی خانه به دست مرد است و زن برده شهوت مرد و وسیله تولید مثل می‌گردد و به حکم نوعی اجبار عملی و طبیعی، تسلیم زورمندی و زورگویی شد و مرد علاوه بر رهبری اقتصادی و اجتماعی، زن را نیز در راستای تمکین و پذیرش به قاعده قرار می‌داد.

"عمر کوتاه (تقریباً نیم قرن) حکومت مادها به دست کوروش به پایان رسید. در اوائل حکومت هخامنشیان وضع و موقعیت زن بهتر از دیگر دوره‌های حکومت این سلسله بوده است. لکن پس از داریوش مقام زن به خصوص در میان طبقه ثروتمند تنزل کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در اجتماع بودند، آزادی خود را حفظ کردند. اما گوشه‌نشینی سراسر زندگی اجتماعی زنان دیگر را فرا گرفت.

در این عصر زنان طبقات بالای اجتماع، برده لذت و وسیله کامجویی مردان بودند و به جز تولید نسل و فرونشاندن آتش شهوت مردان ثروتمند کاری نداشتند. آنان در حرمسراها زندانی بودند و حق نداشتند آشکارا با مردان گفتگو کنند و در کوچه و بازار آزادانه رفت و آمد داشته باشند. و به هنگام بیرون رفتن از خانه، به اصرار شوهران خود، به وسیله حجاب باید خود را از انظار مخفی نگاه می‌داشتند.

به طور کلی زن در چشم اشراف و بزرگان هخامنشی جزو کنیزکان بوده و نقشی غیر از مطربی و خنیاگری نداشته است و آنچه از زن، مورد توجه بوده، زیبایی‌های ظاهری و فیزیکی او بوده است.

"سنت حرمسرداری مردان هم احتمالاً در زمان هخامنشیان پدید آمد و به مرور رایج و مرسوم شد تا آنجا که در عصر ساسانی، تعدد زوجات به اندازه نامحدود مجاز بوده و زناشویی انواع مختلف داشت. زنانی که دارای مقام اول در خانه شوهر بودند، پادشازن خوانده می‌شدند که از لحاظ نسب و مقام خانوادگی می‌

بایست با شوهرش هم طبقه باشد. همسرانی که مقام دوم را داشتند به چکرزن، جگرزن (چاکرزن) نامبردار بودند. این زنان معمولاً از طبقاتی پایین تر از طبقه خانوادگی شوهرانشان بودند. به موازات ازدواج با پادشاهان و ازدواج با چکرزن، نوع خاص دیگری از ازدواج در عصر ساسانی معمول بوده است که آن را ازدواج با "زنان عاریتی" یا "ازدواج استقراضی" یعنی اختیار موقت زنی به همسری که در قید ازدواج شوهر دیگری است، می توان نامید و تلقی زن به عنوان شیء و نه شخص. زیرا شوهر اول می توانست ازدواج استقراضی را بدون جلب رضایت زن خود عملی سازد، یعنی وی را جبراً به طور موقت به همسری شوهر دوم درآورد.

پس از آن، با تسخیر ایران به دست اعراب و ترکیب و تلفیق تمدن ایرانی و اسلامی، باز هم در موقعیت زن ایرانی دگرگونی بنیادی ایجاد نمی گردد و گودال عمیق بین زن و مرد و افتضاحات گذشته یعنی حرمسرداری، تعدد زوجات و به طور کلی به هیچ شمردن حقوق انسانی زنان کماکان ادامه می یابد.

برک هایس^۱ آلمانی معتقد است "وضع عمومی نسوان قبل از ظهور اسلام بهتر بود و اسلام با مقررات جدید بر مشکلات اجتماعی آنان افزوده است". او می نویسد: "در دوره جاهلیت زنان در مهمام امور مورد مشاوره شوهران قرار می گرفتند و در جنگ ها بدون حجاب شرکت می کردند و حال آن که پس از اسلام از فعالیت های اجتماعی و رزمی آنها تا حد زیادی کاسته شد". (راوندی، ۱۳۴۴، ص ۳۷۰)

زنان عرب، در دوره جاهلیت از خود استقلال و اراده داشتند. دارای آزادی و مقام بودند و عده ای از آنان در جنگ و سیاست و ادب و شعر و تجارت و صنعت بنام بودند. آنها با مردان نشست و برخاست می کردند و رسم حجاب و جدایی زن و مرد معنا و مفهومی نداشت. آنها با رویی باز در کمال آزادی در اجتماع و در مجالس وعظ و سخنرانی حاضر می شدند. سخن کوتاه، زن عرب عصر جاهلی و صدر اسلام، حجاب و حرم را نمی شناخت و از آزادی تام و تمام برخوردار بود، مشروط بر آنکه آزادی وی با روح و نظر قبیله سازگار باشد. در واقع روحیه اجتماعی یا جمع گرای قبیله زن را از هرگونه کج رفتاری و لغزش بر حذر و حتی مصون می داشت.

اما موقعیت زن پس از اسلام با کشانده شدن اعراب به شهرنشینی و گسترش وسیع برده داری پایین آمد. هرزگی و عیاشی جای عفت و عصمت را گرفت و به تقلید از امپراتوری عصر ساسانی، رسم جدایی

^۱ - Brok Hais

زنان از مردان و پرده نشینی ایشان و سنت حرم در میان اعراب رواج پیدا کرد و این رسم ناپسند کم کم یکی از خصوصیات جامعه اسلامی گردید.

بنابراین اسلام و تعالیم دینی هم نتوانست از تعدیات مرد نسبت به زن جلوگیری کند، و واقعا اگر شرایع آسمانی خواهان کسب حق پایمال شده زن بودند، چرا پس از آنها باز باید مقام زن تا حد یک کالای منقول پایین بیاید و یکی از خلفای اسلام - هارون الرشید عباسی - باید در حرمسرای خویش بیش از سه هزار نفر زن داشته باشد و وضعیت افتضاحات حرمسراداری و برده داری عصر ساسانیان که نکبت بارترین عهد برای زن ایرانی است، برای بارهای دیگر تکرار می شود.

اگرچه اسلام مرد را جنس برتر و زن را جنس فروتر می داند (سوره بقره-آیه ۲۲۸) و حکومت شوهر را بر زن به رسمیت می شناسد، لکن حقوقی هم برای زن قائل شده، اما در یک کلام می توان گفت که میان احکام نظری و واقعیت تاریخی، یعنی فکر و عمل، بسیار فاصله افتاده است و عملا زن تحقیر شد و سخت محدود ماند.

بنا براین با وجود این که هر مردی می تواند چندین زن و کنیز داشته باشد مسلما روابط میان آنها نمی تواند مبتنی بر عشق و اطمینان و همسانی و همسری باشد و منجر به دشمنی و بی اعتمادی بین آنها می گردد و زن با مکر و حيله و هر وسیله ممکن به فکر انتقام می افتد و سرانجام تبدیل به تصویری می شود که در ادبیات جامعه مردسالار ایران تصویر شده و او را موجودی بی وفا، مکار، ناقص العقل، ترسو، موجود مادی، نشانه ی نفس، طمع کار، خائن و مایه ی ننگ و توجه به او را عامل پایبندی مرد و عدم توجه او به معرفت دانسته اند و در کل مرد را برتر از زن معرفی کرده اند.

در این میان سعدی، خصوصیات یک زن خوب را فرمانبری، پارسایی، مستوری، خوش منشی و خوش سخنی دانسته است.

البته شیخ اجل بین زن شرعی و معشوق (شاهد) فرق می نهد. منظور سعدی از زن همان زن شرعی انسان است که در تمامی مراحل زندگی با انسان همراه است و منظور از شاهد، معشوقه ای است که تنها به زیبایی او باید دل باخت. در کتاب سیمای زن در فرهنگ ایران در مورد تفاوت زن و معشوقه این گونه نوشته شده است: "این نصیحت مصلحت بینانه، در پند مشفقانه ی شهریار زیاری به پسرش آشکارتر آمده است، آن جا که می گوید: "در بند نیکی روی زن مباش که به سبب نیک رویی معشوقه گیرند ... و زن از خاندان به

صلاح خواه و زن را برای کدبانویی خواهند نه از برای تمتع که از بهر شهوت در بازار کنیزکان می توان خرید، که چندین خرج و رنج نباشد ... " در واقع این توانگران و شاهدادگان بودند که می توانستند عشق و زناشویی را از هم جدا کنند و بنا به مقتضیات اجتماعی، زن بگیرند و برای عشقبازی، معشوقه نگاه دارد". (ستاری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰)

در واقع می توان گفت زنان شرعی تنها به عنوان کدبانوی خانه، تنها به مسائل منزل و فرزندان توجه داشتند ... اما معشوقه ها، جزو دلبران مردان به حساب می آمدند و اگر در ادبیات غنایی ما، شعری برای زن سروده می شد برای زنان شرعی نبود، بلکه برای معشوقه سروده می شده است. و به همین علت "در ادبیات اسلامی، معشوقه غالباً کنیز است که قدر دیده و نازش آورده، نه زن شرعی. بدین سبب عمده، که مرد کنیز را دیده و پسندیده است و در واقع دلدار را به "بها" خریده است نه به "بهبانه" همچون زن شرعی خویش، حال آن که زن شرعی را غالباً دیگران برگزیده و به وی تزویج کرده اند". (ستاری، ۱۳۸۴، صص ۱۳۲-۱۳۱)

البته زن در ادبیات حماسی نقش های گوناگون ایفا می کند و بسیار ارجمند و گران سنگ معرفی شده است. زن در شاهنامه نه تنها پایین تر از مرد نیست، بلکه گاهی فردوسی او را از مرد برتر می داند و از او تمجید می کند. اما سیمای زن در ادبیات تعلیمی و عرفانی مانند بوستان سعدی، مخزن الاسرار نظامی و حدیقه الحقیقه سنایی و ... به زیبایی ترسیم نشده است. بنابراین به طور کلی می توان گفت که در ادبیات پیشین، زن چهره ای غیر انسانی دارد و شاید علت این باشد که زن از دریچه ی نگرش مرد ارزیابی شده است. این "مردان که همیشه قلم به دستان جامعه و منعکس کننده ی خواست ها و تمایلات انسانی و یا غریزی خویش بوده اند، گاه زن را ستوده و گاه شخصیت او را زیر سؤال برده اند". (زواریان، ۱۳۷۰، ص ۱۲)

به هر حال باید بدانیم که ایران نیز مانند "بسیاری از ملل دیگر جهان، بر روی هم سیمای مردانه دارد و زن در آن به تعبیر امروزی آن "جنس دوم" معرفی شده است. بسیاری ممکن است دلیلش را این بدانند که زمام تاریخ و قلم در این مرحله از حیات قوم ایرانی ها همواره در دست مردان بوده است، بنابراین مسیر کار را به همان سویی برده اند که خود آنان خواسته اند". (باحقی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۸)

بنابراین با توجه به این که نویسندگان و شاعران پیشین نسبت به زن بیشتر به سلیقه های شخصی

خود توجه نموده اند تا به واقعیت و حقیقت امر، پس ما نمی توانیم به نتیجه ی درست و صحیحی درباره ی ارزش و مقام زن در گذشته دست پیدا کنیم.

در واقع نتایج و آثار نظام مردسالاری و تسلط و حاکمیت افکار آن نظام در بین جامعه ایران در تمام دوره های بعدی تاریخ ایران نیز تکرار شده و تداوم و نشانه های آن در زمان حال نیز به گونه ای حضور دارند و خودنمایی می کنند. اما به طور کلی می توان گفت که این امر خاصه ی ایران نیست و این نگاه تقریباً در تمامی جوامع به چشم می خورد و حتی تبعیض پنهان همین امروز نیز در جوامع مبتنی بر تساوی زن و مرد هم وجود دارد.

فصل دوم

بررسی موقعیت زن در دوره ی قاجار

۱-۲ پوشش زن ایرانی در دوره ی قاجار

برخی مدارک از اوایل دوره ی قاجاریه هست که همبستگی و نزدیکی تامی با پوشاک دوره ی زندیه دارند، و در مقام مقایسه، هیچ گونه اختلافی میان پوشاک آن دوره با این دوره به نظر نمی‌رساند. (ضیاءپور، ۱۳۴۹، ص ۳۸۹)

در زمان قاجار زنان ایرانی خارج از محیط خانه بسیار پوشیده بوده‌اند به همین جهت سفرنامه نویسان اروپایی نتوانسته‌اند درباره زنان و لباس پوشیدن آنها مطلب زیادی بنویسند، مگر سفرنامه نویسان زن چون لیدی شیل و مادام کارلا سرنا که در خانه ایرانیان با زنان معاشرت و گفتگو داشته و آنها را بدون حجاب دیده‌اند. (اویس، ۱۳۷۹، ص ۲۶۸)

شیوه و شکل لباس زنان (در درون خانه) را از لحاظ تاریخی می‌توان به سه دوره مجزا تقسیم کرد:

دوره اول: از ابتدای دوران قاجار تا مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ.

دوره دوم: از مسافرت ناصرالدین شاه تا پایان عصر ناصری و ابتدای دوره مظفری.

دوره سوم: از ابتدای دوره مظفری تا پایان دوره قاجار.

لباس دوران اول شامل پیراهن کوتاه بدون یقه و جلو باز بود که با دکمه ای زرین و مروارید نشان به گردن بسته می‌شد. این پیراهن با شلواری گشاد و نیم تنه ای کوتاه به نام "ارخالق" تکمیل می‌گشت. بر روی آن "چاپکین"، که عبارت بود از پیراهن بدون یقه جلو بازی که در زیر کمر از چپ به راست دکمه می‌خورد، پوشیده می‌شد. (معتضد، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶)

همچنین در دوره فتحعلی شاه خانم‌ها جامه های ابریشمی و حریر و شلوار گشاد و مخملی و کت های گلدوزی می‌پوشیدند. اما محمد شاه سبک آرایش و لباس پوشیدن آزادتری را باب کرد و آن این که آنها لباسی می‌پوشیدند که در روی آن ژاکت کوتاهی قرار داشت و پایین لباس، زیر دامن هایی خیلی کوتاه و گشاد بود. (کرزن، ۱۳۶۷، ص ۵۳۷)

ناصرالدین شاه در مدت اقامت در اروپا به تأثرها و سیرک‌ها می‌رفت و از تماشای رقاصه‌ها با آن

لباس های مخصوص لذت می‌برد. شاه که شیفته لباس بالرین های پطرزبورگ شده بود، پس از سفرش آن

را لباس زنان اندرون شاهی قرار داد و دستور داد تا زنان حرمسرا نیز به تأسی از بالرین ها، شلیته های خود را بسیار کوتاه بکنند و در زیر آن به جای شلوار گشاد از جوراب شلواری استفاده کنند.²

سال ها سبک و نمونه مطلوب لباس خانه ی زنان، مشابه لباس رقصدگان باله بود ولی کم کم مدهای نوین اروپایی راه خود را باز کردند و تغییرات سریعی اتفاق افتاد.

لباس خانه زنان شهری بسته به سن، طبقه اجتماعی، و میزان روشنی فکر آنان، تا حد قابل ملاحظه ای، متنوع گشت. دامن های کوتاه معمولی دیگر کمتر مورد استقبال آنان قرار می گرفت. از زیر دامنی استفاده می کردند و روی آن دامن می پوشیدند، دامن هایی که پشت آن برجسته و پیش آن افتاده تر و بلند تر است. همراه با این دامن های نه چندان بلند، شلوارهای بلند و تنگ سیاه یا سفید به پا می کنند؛ زنان مسن تر دامن های بلندتر می پوشند.

همچنین دالمانی که در اواخر دوره ی قاجار به ایران سفر کرد می گوید که "چندیست که در پایتخت، لباس بلند اروپایی متداول شد و پاره ای از خانم ها تمایلی به آن پیدا کرده اند، یعنی خیاطان و طراحانی که از اروپا مخصوصا فرانسه به تهران آمده اند این طریقه را معمول کرده اند و همین خیاطان تازه وارد هستند که برای لعبتان قشنگ تهرانی لباس می دوزند". (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۲۹۱)

دالمانی لباس بیرونی زنان قاجار را بسیار زشت و کراهت آور می داند و می گوید آنها شبیه به لباس های عجیب و غریبی است که اروپاییان در مجالس بالماسکه می پوشند. پیر لوتی در کتابش که به عنوان "به سوی اصفهان" است زنان ایرانی را که در کوچه و بازار حرکت می کنند به اشباح سیاه خیالی و صور موحش تشبیه کرده است. زن ایرانی هنگامی که می خواهد از خانه بیرون رود باید چاقچور بپوشد. چاقچور شلوار بسیار گشادی است که در مچ پا باریک می شود و جورابی هم از همان پارچه به آن متصل می کنند. زن علاوه بر چاقچور چادر سیاهی دارد که تمام بدن او را می پوشاند و روبندی هم در جلوی صورت می آویزد. (دالمانی، ۱۳۳۵، صص ۲۹۲-۲۹۱)

² - همان طور که می دانیم چون مد لباس خانم های اندرون شاهی ابتدا به شاهزاده خانم ها و سپس به زنان اعیان شهری و بالاخره بین طبقات مختلف شهرنشین رواج می یافت، شکل لباس زنان این دوران تغییر اساسی کرد.